خبرها

استعفای سردبیر «آفتاب»

شرق: اکبر منتجبی سردبیر خبرگزاری آفتاب از این سمت استعفا داد. به دنبال تغییر مدیریت در پایگاه خبری آفتاب که مدتی پیش رخ داد، اکبر منتجبی و برخی از اعضای تحریریه این خبرگزاری از سمت خود استعفا دادند. خبرگزاری آفتاب بهمن ماه ۸۳ با هدف انتشار اخبار هسته ای توسط برخی از مدیران نزدیک به مرکز پژوهش و تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام راه اندازی شد. هدایت این خبرگزاری برعهده محمدحسین ملایری بود که سردبیر فصلنامه راهبرد است. او چندی پیش از هدایت خبرگزاری آفتاب کناره گیری کرد و مهدی مهدوی آزاد مدیریت این خبرگزاری را برعهده گرفت. پس از این تغییر مدیریت، اکبر منتجبی سردبیر آفتاب و برخی دیگر از اعضای تحریریه از سمت های خود استعفا دادند.

سقوط دختر جوانی از طبقه پانزدهم برج دوقلوها

شرق: تحقیقات درباره پرونده دختر جوانی که صبح دیروز از طبقه پانزدهم برجی در شمال تهران به پایین پرت شد، آغاز شده است. ساعت ۷ صبح دیروز به ماموران کلانتری ۱۰۱ تجریش اطلاع دادند جسد غرق در خون دختری جوان پشت برج های سفید دوقلوی فرمانیه کشف شده است. ماموران پلیس بلافاصله در محل حاضر شده و تحقیقات خود را آغاز کردند. در بررسی ها مشخص شد جسد متعلق به دختری ۲۰ساله به نام «درسا» است که در اثر سقوط از منزل مادرش در طبقه پانزدهم برج جان خود را از دست داده است. ماموران پلیس به دستور بازپرس ویژه قتل تهران در بازرسی از منزل مادر درسا تکه کاغذی را روی یخچال کشف کردند که در آن نوشته شده بود: «مادر دوستت دارم، مرا ببخش.» با کشف این نامه احتمال قتل درسا از سوی بازپرس رد شد. در ادامه بررسی ها مشخص شد پدر و مادر درسا از هم جدا شده اند و او با پدرش زندگی می کرده اما از آنجایی که مادرش به مسافرت رفته، از چند روز پیش در منزل مادرش زندگی می کرده است. هم اکنون تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

آردی X شماره نمی شود

فارس: معاون راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی گفت: خودروی آردی X دارای تغییراتی نسبت به پژو آردی معمولی است که این تغییرات اساسی باید به تایید مراجع مختلف از جمله وزارت صنایع برسد و تا زمانی که مجوز لازم اخذ نشود آردی X را شماره نمی کنیم. سردار محمد رویانیان افزود: خودرو جدید پژوآردی X که به نام پژو روآ تولید شده است، بدون اخذ مجوز های لازم از نهادهای ذی ربط است و بنابراین تا اخذ این مجوزها نیروی انتظامی خودروی فوق را شماره نخواهد کرد. رویانیان در پاسخ به اینکه چه مجوزهایی باید اخذ شود تا خودروی جدید پژو آردی X از سوی نیروی انتظامی شماره شود گفت: این خودرو در قسمت های موتوری نسبت به آردی معمولی دارای تغییرات اساسی است که این تغییرات باید دارای مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت صنایع باشد و استانداردهای آن نیز از سوی این واحدها تایید و به نیروی انتظامی اعلام شود و بنابراین مطابق قانون، راهنمایی و رانندگی تا زمانی که مجوزهای لازم در خصوص این خودرو اخذ نشود آن را شماره گذاری نخواهد کرد. ناهماهنگی ایران خودرو با نیروی انتظامی در فروش خودروهای آردی X و شماره نکردن آن از سوی نیروی انتظامی طی چند روز گذشته، مشکلات زیادی برای خریداران این خودرو در سراسر کشور به وجود آورده و باعث سردرگمی تعداد زیادی از هموطنان شده است.

پرداخت افزایش مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی از شهریور

فارس: معاون فنی و درآمد سازمان تامین اجتماعی از پرداخت افزایش ۱۴ درصدی مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی در سال ۸۵ از شهریورماه خبر داد. فرخ ملکوندفرد گفت: افزایش ۱۴ درصدی مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی در سال ۸۵ در آخرین جلسه دولت به تصویب رسیده است که سازمان تامین اجتماعی نیز از شهریورماه این مصوبه را به اجرا درمی آورد. وی در ادامه افزود: سازمان تامین اجتماعی مابه تفاوت های افزایش مستمری بازنشستگان را از ابتدای امسال همراه با مستمری شهریورماه می پردازد. معاون فنی و درآمد سازمان تامین اجتماعی اظهار داشت: طبق ماده ۹۶ قانون، سازمان تامین اجتماعی موظف است رقم مستمری را معادل نرخ تورم افزایش دهد که بر اساس این اصل، سازمان تامین اجتماعی پیشنهاد افزایش مستمری به بالاتر از نرخ تورم یعنی ۱۴ درصد را به دولت داد که مورد تصویب دولت قرار گرفت.

اعلام نتایج کنکور سراسری امروز یا فردا

فارس: معاون سازمان سنجش گفت: نتایج کنکور سراسری امروز یا حداکثر فردا از طریق سازمان سنجش اعلام می شود. حسین پورکاظمی با تاکید براینکه در سال جاری حدود ۷۰۰ هزار داوطلب مجاز به انتخاب رشته هستند، افزود: اواخر هفته آینده کارنامه داوطلبان آزمون سراسری توزیع می شود. وی با بیان اینکه دفترچه راهنمای انتخاب رشته با توضیحاتی درباره دانشگاه ها و میزان ظرفیت پذیرش آنها هفته آینده روی سایت سازمان سنجش به آدرس www.sanjesh.org قرار می گیرد، گفت: دفترچه های راهنمای انتخاب رشته در اواخر هفته آینده در اختیار پذیرفته شدگان قرار می گیرد.

۲۲ میلیون روستانشین در ایران زندگی می کنند

۱۰ درصد از روستاییان نیازمند خدمات بهزیستی

گروه اجتماعی: مسئولان سازمان بهزیستی پیش بینی می کنند که حداقل ۱۰ درصد از جمعیت روستایی کشور نیازمند دریافت خدمات هستند. به استناد گزارش سال ۸۴ مرکز آمار ایران ۳۳/۴ درصد از جمعیت کشور و در واقع ۲۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در روستاها ساکن هستند که به پیش بینی سازمان بهزیستی، دو میلیون و ۲۸۰ هزار نفر آنان به دلیل شرایط خاص باید از خدمات بهزیستی بهره مند شوند. درحالی که به گفته مهندس رامین رضایی رئیس ستاد برنامه ریزی و هماهنگی گسترش خدمات بهزیستی روستایی سازمان بهزیستی فقط برای ۴۵ درصد از جمعیت نیازمند، پوشش خدماتی ایجاد کرده و ۵۵ درصد، هنوز از دریافت خدمات حمایتی محروم هستند. ناکافی بودن پوشش خدماتی ایجاد شده برای روستاییان، درحالی است که به گفته رضایی علت بسیاری از ناهنجاری ها در شهرهای کشور، ریشه در کم توجهی به مشکلات روستاییان دارد. رضایی روز گذشته در یک نشست خبری با تاکید بر اهمیت توجه به مناطق روستایی و پاسخ دادن به نیازهای آنان اظهار داشت: «روستاییان ایران از ستم اجتماعی، تاریخی رنج می برند درحالی که توجه به مناطق روستایی می توانست منشاء خیر و برکت و توسعه پایدار بوده و از وقوع بسیاری ناهنجاری های شهری جلوگیری کند. متاسفانه مطالبات شهرنشینان و توانمندی آنان در کسب حقوق قانونی در کنار کمبود منابع و محدودیت های ابزاری باعث شد که طی دهه های گذشته، دولت ها نگاه خود را به شهر و جمعیت شهرنشین معطوف کنند. در حالی که منشاء بسیاری از مشکلات مناطق شهری در بی توجهی به روستاییان نهفته است. به این معنا که روستاییان برای بهره مندی از فرصت ها و امکانات شهری، مهاجرت از روستا به شهر را پیش گرفته و در حاشیه شهرها مستقر شده اند. مهاجرتی که به دلیل بیکاری و نبود فرصت شغلی شکل گرفته است و اتفاقاً جمعیت هدف هم، جوانان روستا هستند که می توانستند باعث آبادانی و برکت روستا باشند اما در حاشیه شهرها مستقر می شوند.» رضایی با اشاره به این نکته که یک ریال سرمایه گذاری در روستاها می تواند ده ها ریال فایده برای شهر به همراه بیاورد یادآور شد که سرمایه گذاری در روستا به هیچ وجه به معنای تلف کردن بودجه نیست و افزود: «هم اکنون ۱۲۵۰ مجتمع بهزیستی در روستاها فعال است و ۴۵۰۰ نفر در این مراکز مشغول به کار هستند که به نظر ما نه تعداد مجتمع ها و نه تعداد نیروی انسانی شاغل برای جمعیت هدف کفایت نمی کند به همین دلیل اعلام می کنیم که فقط ۴۵ درصد از جمعیت هدف را پوشش می دهیم آن هم به شرط آنکه با مشکلاتی مثل کمبود نیروی انسانی، ناکافی بودن اعتبارات و عدم همکاری نهادهای مسئول مواجه نشویم و در واقع به دلیل وجود این مشکلات، پوشش از ۴۵ درصد هم کمتر می شود.» رضایی در اشاره به مشکلات ستاد برنامه ریزی و هماهنگی گسترش خدمات بهزیستی روستایی گفت: «سازمان مدیریت و برنامه ریزی هیچ گاه ساختار این ستاد را به رسمیت نشناخته و توجیه مسئولان سازمان مدیریت این است که رسمیت این ستاد با اصل کوچک سازی دولت منافات دارد. به رسمیت نشناختن ساختار ستاد، فقدان ردیف بودجه را هم در پی دارد در عین حال که ما با یک مشکل جدی مواجهیم که معاونت های تخصصی سازمان بهزیستی کشور موظف هستند برنامه های جداگانه ای برای روستا تعریف کنند زیرا بافت جمعیتی فرهنگ و محدودیت های روستا مانع از آن می شود که نسخه واحدی برای شهرنشینان و روستانشینان پیچیده شود. با وجود علم به این ضرورت، نوع مطالبات و شیوه پیگیری و دستیابی به مطالبات در بین جمعیت شهرنشین باعث شده که بسیاری از منابع برای تحقق مطالبات جمعیت شهری صرف شود و از آنجا که سازمان بهزیستی کشور هنوز در آن حد توانمند نشده که بتواند به تمام مطالبات پاسخ دهد بنابراین ناخودآگاه پاسخگویی به روستانشینان در هدایت آنان به مراکز خدماتی شهری خلاصه می شود.» به گفته رضایی هم اکنون در ۴۴۱ مجتمع بهزیستی روستایی کلاس های آموزشی برگزار می شوند و ۳۸۴ مجتمع نیز به برگزاری دوره های گلیم بافی، قالی بافی و صنایع متناسب با فرهنگ روستا اقدام کرده اند. در ۳۰ مجتمع طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه، در ۶۹۷ مجتمع خدمات مددکاری، در ۳۱۵ مجتمع خدمات پیشگیری، در ۸۵۳ مجتمع خدمات نگهداری از کودکان و در ۵۰۲ مجتمع خدمات توانبخشی ارائه شده و همچنین در ۴۱ مجتمع گروه های همیار ویژه توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تشکیل شده است. رضایی از پیگیری جهت رسمیت یافتن ساختار ستاد در سازمان مدیریت و تخصیص ردیف بودجه برای ستاد خبر داد و با اعلام مخالفت ستاد با ورود بخش خصوصی در شرایط فعلی گفت: «واگذاری خدمات به معنای واگذاری مسئولیت ها نیست. ما می توانیم سیستم نظارتی را تقویت کنیم اما پیش از آن باید تشکیلات ما رسمیت پیدا کند. در شرایط فعلی به هیچ وجه مجتمع های بهزیستی روستایی را به بخش خصوصی واگذار نمی کنیم و پس از رسمیت یافتن ستاد و تخصیص ردیف بودجه از حضور بخش خصوصی استقبال خواهیم کرد.» به گفته رضایی هیچ یک از نیروهای فعال در مجتمع های بهزیستی روستایی در هیچ دوره آموزشی شرکت نکرده اند و صرفاً با تکیه به توانمندی های فردی فعال بوده اند. وی از آغاز طرح بررسی ناهنجاری قامتی در دانش آموزان ابتدایی و راهنمایی در مناطق روستایی خبر داد و گفت: «این طرح با موافقت سازمان مدیریت مواجه شد و زمانی که اعتبار پیشنهادی ما که حدود دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بوده تخصیص یابد طرح را با همکاری وزارت آموزش و پرورش آغاز می کنیم. ما در این طرح مسئول هستیم زیرا ناهنجاری قامتی دانش آموزان به عنوان معلولیت ثانویه شمرده می شود و سازمان بهزیستی کشور مسئول پیشگیری از وقوع معلولیت ها است.» انعقاد تفاهمنامه با موسسه بین المللی اعتبارات مالی و خرد نیز از طرح های ستاد بوده که از مهرماه سال جاری در چهار استان اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کردستان و آذربایجان غربی به صورت پایلوت آغاز خواهد شد. در راستای این تفاهمنامه که به امضای سازمان بهزیستی کشور، موسسه اعتبارات مالی و خرد و همچنین بانک کشاورزی رسیده، گروه های همیار روستایی پس از فراگیری آموزش هایی که توسط موسسه اعتبارات مالی و خرد برگزار می شود، می توانند وام اشتغال دریافت کنند. رضایی با اشاره به اینکه دریافت وام به صورت گروهی و فردی امکان پذیر است یادآور شد که جمعیت هدف این طرح در وهله نخست، زنان سرپرست خانوار و نوجوانان هستند. وی در پاسخ به این سئوال شرق که وضعیت معلولیت ها و آسیب های اجتماعی در روستاها چگونه بوده و مشکلات روستاییان با شهرنشینان چه تفاوتی دارد، گفت: «ما برای خدمت رسانی به جامعه نیازمند در اختیار داشتن شرح مختصری از وضع موجود هستیم حتی جمعیت هدف ما باید مشخص باشند. زمانی که مرکزی را به نیروی انسانی و امکانات موردنیاز تجهیز کردیم باید پیش از هر چیز میزان کارآیی آن مرکز را که با شرایط محل استقرار در ارتباط است پیش بینی کرده باشیم. به عنوان نمونه، ایجاد یک مرکز ترک اعتیاد در شهر، بازدهی قابل توجهی دارد تا آنکه این مرکز در روستا دایر شود. پس به صرفه است که ما این مرکز را در شهر دایر کنیم و فرد روستایی را به مرکز مستقر در شهر هدایت کنیم. برآورد ما نشان می دهد که حدود ۱/۸ الی ۲ درصد از جمعیت روستاییان دچار معلولیت هستند و اتفاقاً دچار آن گروه از معلولیت ها هستند که قابل پیشگیری بوده و اگر آگاه سازی صورت می گرفت ما با این معضل مواجه نمی شدیم. در حال حاضر در زمینه پیشگیری از اعتیاد، آگاه سازی از رفتارهای پرخطر را در دوره های آموزشی در مجتمع های بهزیستی روستایی گنجانده ایم. در عین حال که به دلیل بیکاری جوانان روستایی و نبود فرصت های برابر در مقایسه با شهر میزان آسیب های اجتماعی و اعتیاد در روستاها با در نظر گرفتن سرانه جمعیت روستایی کمتر از آمارهای موجود در جمعیت شهرنشین نیست.»

سردار زارعی خبر داد:

آدم ربایان پسری را شش روز گروگان گرفتند

گروه اجتماعی، الهه فراهانی: «پسر ۱۱ ساله ای مادرش را در آغوش می گیرد. وی پس از شش روز اسارت از چنگال آدم ربایان نجات یافته و مرتب اشک می ریزد. پدر این پسربچه دستانش را به سوی آسمان بلند کرده و به خاطر بازگشت پسرش خدا را شکر می گوید. سه متهم اصلی روی صندلی نشسته اند و با دیدن این صحنه اشک از چشمانشان جاری می شود.» اعضای این باند آدم ربا پسربچه ۱۱ ساله را به مدت شش روز گروگان گرفتند و درخواست ۳۰ میلیون تومان پول از پدر ثروتمندش کردند که سرانجام پلیس اعضای این باند را دستگیر کرده و پسربچه را در صحت کامل به خانواده اش تحویل دادند. سردار رضا زارعی فرمانده نیروی انتظامی استان تهران صبح دیروز درخصوص ماجرای این آدم ربایی گفت: یکی از بهترین روزهای کاری ام در سال ۸۵ دستگیری این باند آدم ربا بود و امیدوارم که دستگاه قضایی از حداکثر مجازات برای این باند آدم ربایی استفاده کند. ماجرا از آنجا آغاز شد که در تاریخ ۴ مرداد پسربچه ۱۱ ساله ای به نام امیرعلی از خانه اش در منطقه مهرشهر کرج بیرون آمده تا در کوچه دوچرخه سواری کند. سه متهم اصلی این پرونده که داخل سمند نقره ای رنگ منتظر این پسربچه بودند او را به زور سوار ماشین کردند و دوچرخه را کنار خیابان انداختند. این سه آدم ربا پسربچه را به خانه ای متروکه در روستای هیو واقع در هشتگرد منتقل کردند. سپس یکی از آدم ربایان به نام پوریا که طراح نقشه بود با پدر امیرعلی تماس گرفت و درخواست ۳۰ میلیون تومان پول نقد در قبال آزادی پسربچه اش را کرد. پوریا به پدر این کودک گفت: بچه شما پیش ما است، اگر این مبلغ را به ما پرداخت نکنید به او تعرض کرده و یا آمپول ایدز به او تزریق می کنیم. پدر امیرعلی که شغلش کتابفروشی است و وضع مالی خوبی دارد بعد از این تماس به اداره آگاهی کرج رفت و اعلام کرد که پسرش را گروگان گرفته اند. سردار زارعی در ادامه گفت: با توجه به اینکه هیچ آدرس و مشخصاتی از آدم ربایان نداشتیم، کار بسیار پیچیده و سخت بود. از طرفی زمانی که آدم ربایان پسربچه را ربوده بودند هیچ کس در محل نبود تا چهره آدم ربایان و یا شماره پلاک خودروی سمند را شناسایی کند. به هر حال تلفن خانه امیرعلی (پسر گروگان گرفته شده) تحت کنترل بود و آدم ربایان هر بار از کیوسک تلفن عمومی با خانه امیرعلی تماس می گرفتند. سرانجام در آخرین تماس مشخص شد که آدم ربایان به یکی از شهرهای غربی کشور رفته اند. ماموران آگاهی همدان محل های متروکی که آدم ربایان از تلفن عمومی با خانه امیرعلی تماس می گرفتند را تحت کنترل قرار دادند. اکیپی از ماموران همزمان وارد باغ و محل های متروک شدند و سرانجام این باند آدم ربا را در یک گاوداری به دام انداختند. صاحب این گاوداری پدر یکی از سه متهم اصلی این پرونده بود که بازداشت شد. متهمان بعد از دستگیری به آگاهی استان تهران منتقل شدند و پسربچه بعد از شش روز اسارت در صحت کامل به خانواده اش تحویل داده شد. پوریا (متهم اصلی و طراح این نقشه) بعد از دستگیری به ماموران گفت: مسعود (یکی از متهمان) یکی از دوستانم بود و در کار هنری فعالیت داشت. از آنجایی که پدر امیرعلی وضع مالی خوبی دارد و خانه اش بسیار بزرگ است، خیلی از کارهای سریال تلویزیونی را در خانه این مرد فیلمبرداری می کردند. برای همین من پدر امیرعلی را تا حدودی می شناختم. چون بیکار بودم و مشکلات مالی داشتم برای همین این نقشه آدم ربایی را طراحی کردم و با همدستی دو نفر از دوستانم آن را اجرا کردیم. دو نفر دیگر هم هیچ نقش خاصی نداشتند و فقط یک همکاری کوچک با ما کردند و گاوداری را در اختیار ما قرار دادند. رئیس پلیس استان تهران گفت: متهمان هیچ گونه آزار و اذیتی به پسربچه نرساندند و امیرعلی در صحت کامل است. همچنین از این باند یک قبضه سلاح نیز کشف شد که با تهدید آن پسربچه را به زور سوار خودرو کردند. خبرنگار شرق دیروز با سه متهم اصلی این پرونده گفت وگویی انجام داده است که بدین شرح است:

■ چطور شد که تصمیم به آدم ربایی گرفتی؟

پوریا (متهم اصلی پرونده) که ۲۸ ساله است در پاسخ به سئوال شرق گفت: به خاطر پول. من بیکار بودم و مشکلات مالی فراوانی داشتم. فکر می کردم ۳۰ میلیون تومان را می توانیم از پدر این بچه بگیریم.

■ چرا ۳۰ میلیون تومان؟

پوریا: من و دو نفر از دوستانم نشستیم و حساب کردیم و با خود گفتیم اگر نفری ۱۰ میلیون تومان از این راه گیرمان بیاید، زندگی مان تکان می خورد.

■ خانواده این پسربچه را می شناختی؟

تقریباً، نه خیلی زیاد. فقط می دانستم پدر امیرعلی خیلی پولدار است و به خاطر پسرش ۳۰ میلیون تومان را می پردازد. مسعود یکی از دوستانم که اکنون به عنوان متهم دستگیرش کردند با خانواده امیرعلی رابطه بسیار دوری داشت و می دانستیم که در خانه پدر امیرعلی چند سریال بازی کردند. از طرفی مسعود کار هنری می کرد و از این طریق با خانواده امیرعلی آشنا بود. او هیچ نقشی در ماجرای آدم ربایی ندارد و ماموران بی دلیل او را دستگیر کردند.

■ می دانی چه حکمی برایت صادر می کنند؟

نمی دانم. حتماً اعدامم می کنند. مجازات آدم ربایی ۱۵ سال حبس است ولی آیا ارزش این را داشت که بهترین روزهای زندگی و جوانی ات را پشت میله های زندان بگذرانی؟ اشک در چشمان پوریا می رقصد و با دو دست صورتش را می پوشاند تا از تگرگ فلاش دوربین خبرنگاران و عکاسان در امان باشد.

■ از حسین (متهم دوم) می پرسم: شما چه حرفی برای گفتن دارید؟

حسین می گوید: باور کنید ما این کاره نیستیم. از دیشب تا حالا با خود می گویم تمام این اتفاقات خواب است. من متاهل هستم. مدتی بود که بیکار شده بودم. وقتی این پیشنهاد را به من دادند بدون اینکه به عواقبش فکر کنم قبول کردم. اما خیلی پشیمانم. امیدوارم خانواده امیرعلی ما را ببخشند. سرش را تکان می دهد و...

■ از ابوالفضل (متهم ردیف سوم) می پرسم: شما این خانواده را می شناسید؟

ابوالفضل می گوید: خیر. اصلاً این پسربچه و خانواده اش را نمی شناختم. فقط می دانستم که وضع مالی خوبی دارند. در ضمن پدر من فقط صاحب گاوداری بود. او هیچ نقشی در این پرونده ندارد. این پرونده فقط سه متهم دارد. آن دو نفر یعنی پدرم و مسعود (اشاره به دو متهمی که آن طرف سالن روی صندلی نشسته اند) بی گناه هستند.

■ شما هم به خاطر مشکلات مالی تصمیم به آدم ربایی گرفتید؟

بله.

■ یعنی با ۳۰ میلیون تومان مشکلات مالی تان حل می شد؟

تا حدودی.

■ پشیمان نیستی؟

سرش را تکان داده و با سکوت جوابم را می دهد.

■ گفت وگو با پسربچه ربوده شده

امیرعلی پسربچه ۱۱ ساله به مدت ۶ روز در دام این آدم ربایان گرفتار بود.

■ خودت را معرفی کن؟

امیرعلی کتابچی هستم و ۱۱ سال دارم.

■ چطور شد به دام این آدم ربایان افتادی؟

ساعت ۶ غروب روز ۴ مردادماه بود که به کوچه آمدم تا دوچرخه سواری کنم. یک سمند نقره ای رنگ را دیدم که سه سرنشین مرد داشت. ناگهان به سمت من حمله ور شده و مرا سوار ماشین کردند. بعد دوچرخه ام را داخل علف های کنار خیابان انداختند. خیلی ترسیده بودم. مرا با اسلحه تهدید کردند تا جیغ و فریاد نزنم. آنها مرا به یک خانه متروکه در هشتگرد بردند. مرتب می گفتند از پدرت پول می خواهیم اگر این پول را بدهد آزادت می کنیم. یک شب آنجا بودیم، فردای آن روز چشمانم را با پارچه ای بستند و به یک جای دور بردند. آنجا هم یک باغ بود که داخل باغ یک خانه متروکه وجود داشت. روز سوم به زور شماره موبایل پدرم را از من گرفتند و به پدرم زنگ زدند و درخواست پول کردند.

■ آدم ربایان شماره تلفن خانه تان را داشتند؟

شماره خانه مان را داشتند اما موبایل پدرم را نه.

■ آنها را می شناختی؟

نه، اصلاً آنها را ندیده بودم.

■ در این مدت فکر فرار به سراغت نیامد؟

دو بار می خواستم فرار کنم اما نشد. روز آخر هم تصمیم داشتم وقتی آنها خوابیدند فرار کنم، اما پلیس به آنجا ریخت و آزادم کرد.

■ چطور شد آزاد شدی؟

روز آخر ناگهان ماموران وارد باغ شدند و پوریا مرا به داخل حمام برد و گفت صدایت درنیاید، اما ماموران حمام را گشتند و مرا آزاد کردند.

■ در این مدت آزاری به تو رساندند؟

پسرک با شیطنت خنده ای می کند و می گوید: نه، به موقع غذایم را می دادند، حتی چندبار مرا به اسب سواری بردند و... به گزارش خبرنگار ما متهمان روانه زندان شدند و پسرک به همراه پدر و مادرش به خانه شان برگشت.

اظهارات تکان دهنده جوانی که پدرش را کشت

گروه اجتماعی، بهنام پاکزاد: «وقتی می خواستم او را از طناب دار آویزان کنم به زمین افتاده بود و پاهایم را می بوسید.» اینها بخشی از اعترافات هولناک پسر ۱۹ ساله ای است که روز ششم مردادماه امسال به اتهام قتل پدرش بازداشت شد. چندی پیش دو برادر به نام های مجتبی و مصطفی به کلانتری ۲۰۶ بومهن مراجعه کرده و ماموران را در جریان خودکشی پدر ۶۰ ساله شان قرار دادند. ماموران نیز بعد از حضور در حیاط خانه این مرد جسد او را در حالی که طناب آبی رنگی بر گردنش گره خورده بود کشف کردند. همچنین چهارپایه ای که به هنگام مرگ در زیر پای او بوده نیز در فاصله چند متری جسد کشف شد. موضوع به اطلاع بازپرس ویژه قتل تهران رسید. بعد از حضور عوامل مربوطه از اداره تشخیص هویت و سازمان پزشکی قانونی مشخص شد جسد متعلق به مردی ۶۰ ساله به نام رضا است که در ساعت ۱۰ شب گذشته جان باخته است. کارآگاهان در مرحله بعدی تحقیقات بازجویی از خانواده رضا را آغاز کردند. همسر و دختر او از ماجرا اظهار بی اطلاعی کردند و گفتند: ما صبح جسد حلق آویز او را در حیاط خانه دیدیم. در ادامه بررسی ها ماموران پلیس دریافتند مصطفی (فرزند کوچک رضا) یک هفته قبل در روز سی ام تیرماه پدرش را مورد ضرب و شتم قرار داده است به طوری که سر رضا دچار شکستگی شده و جهت مداوا او را به بیمارستان برده اند. در حالی که این سرنخ ها ظن پلیس به مصطفی را بیشتر کرده بود او ناپدید شد. به این ترتیب تلاش برای دستگیری مصطفی آغاز شد و سرانجام او با کمک برادر بزرگترش (مجتبی) روز ششم مردادماه در شهرری شناسایی و دستگیر شد. مصطفی بعد از دستگیری ارتکاب قتل پدرش را انکار کرد اما در بازجویی های فنی - پلیسی به قتل فجیع پدرش اعتراف کرد. مصطفی در اعترافات خود روز حادثه را تشریح کرد و گفت: صبح روز حادثه با زور و تهدید پدرم را مجبور کردم تا زمینی که در شهرستان دارد به نام من کند، او هم این کار را انجام داد. شب باز هم به منزل پدرم در بومهن رفتم. او در اتاق خوابیده بود. از قبل تصمیم خود را گرفته بودم. او را از خواب بیدار کردم و کشان کشان به حیاط بردم. در این لحظه مادر و خواهرم از خواب بیدار شدند. وقتی که ماجرا را فهمیدند به شدت به من التماس می کردند، من هم آنها را به اتاقی برده و در را به روی آنان قفل کردم اما از پنجره اتاق شاهد ماجرا بودند. پسر ناخلف در ادامه اظهارات خود به پلیس گفت: پدرم را به سمت طناب داری که از قبل آماده کرده بودم بردم. در این لحظه او به زمین افتاده بود و پاهایم را می بوسید و التماس می کرد. اما او را به بالای چهارپایه بردم و طناب دار را به گردنش آویختم سپس چهارپایه را از زیر پای او کشیدم. او داشت جان می داد. هنگامی که از مرگش مطمئن شدم در اتاق را به روی مادر و خواهرم باز کردم و به آنها گفتم جسد پدر را ببینند.» بعد از اعترافات مصطفی، مادر و خواهر او دوباره تحت بازجویی قرار گرفتند. افسر پرونده از آنها پرسید: «شما که از ماجرا اطلاع داشتید چرا در بازجویی های قبلی چیزی نگفتید؟» آنها در پاسخ اعلام کردند که مصطفی تهدید کرده بود در صورت اعلام موضوع به پلیس آنها را هم می کشد. در ادامه مشخص شد برادر بزرگتر مصطفی نیز از ماجرا بی اطلاع بوده است. متهم هم اکنون در بازداشتگاه دایره دهم پلیس آگاهی تهران به سر می برد و تحقیقات در مورد انگیزه اصلی ارتکاب جنایت ادامه دارد.

مردمک

۲۲۰۵۳۳۷۲

نشانی اینترنتی: www.sharghnewspaper.ir

پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir

تاخیر در ارسال گواهینامه رانندگی

عظیم گل محمدی از گنبدکاووس: در تاریخ ۸۴/۱۲/۲ در آزمون راهنمایی و رانندگی امتحان دادم و قبول شدم. الان چیزی حدود ۵ ماه از آن تاریخ گذشته اما هنوز گواهینامه من ارسال نشده است. جالب اینکه گواهینامه من یک ساله بوده است. بر فرض اینکه تا یک ماه آینده بیاید، من فقط می توانم به مدت ۶ ماه از آن استفاده کنم و دوباره باید به فکر تمدید آن باشم. نمی دانم چرا مسئولین راهنمایی و رانندگی در ارسال گواهینامه تاخیر می کنند.

مشکلات بهزیستی مبارکه

سیدمحمد موسوی از مبارکه اصفهان: سازمان بهزیستی شهرستان مبارکه اصفهان از اداراتی است که با عمری قریب به ۱۵ سال در این شهر مشغول به فعالیت است. این مرکز قریب به ۲۰۰۰ نفر مددجوی اجتماعی تحت پوشش و تعداد ۴ مرکز روستایی و یک مرکز توانبخشی حمایتی دارد اما متاسفانه با مشکلاتی مواجه است. عدم رسیدگی به وضعیت مهدکودک های تحت پوشش که بعضاً سرپرستی آنها از کارمندان بهزیستی هستند و عدم توجه به مراکز توانبخشی و مجتمع های روستایی از جمله مشکلات این سازمان است.

تماس های بی ثمر

مهدی احمدی: قبلاً که از زیر پل های عابر (جلال آل احمد- پل گیشا) با ماشین رد می شدم و مناظر خطرآفرین را می دیدم (لامپ های مهتابی تابلوهای تبلیغاتی که سرازیر شده و در حال افتادن است)، با خود می گفتم این همه وسایل ارتباطی در جامعه داریم خب به یکی از اینها زنگ بزن تا رسیدگی کنند. می شمارم: ۱- به پلیس ۱۱۰ زنگ زدم، ماجرا را گفتم که ای آقا قبل از اینکه فاجعه ای از فروافتادن یک لامپ مهتابی به روی سقف یا شیشه یک ماشین در حال عبور رخ دهد، ترتیب جمع آوری یا سامان دهی را بدهید، اعتنایی نشد. ۲- به رادیوپیام زنگ زدم ماجرا را گفتم. ولی اثر نکرد. ۳- به شبکه ۵ سیما زنگ زدم که لااقل بیایید یک گزارش تصویری تهیه کنید، بی اعتنا بودند. ۴- به منطقه شهرداری مراجعه کردم و داستان را گفتم. انگار الکی بود. ۵- به تلفن پیام گیر سه رقمی خدمات شهرداری زنگ زدم باز هم الکی بود. ۶- هیچ یک از تلفن های سازمان زیباسازی وابسته به شهرداری یا جواب نمی داد و یک بار یک خانم از سازمان جواب تلفن را داد و گفت: «ای آقا...؟» این بود که ناخودآگاه، آرزو کردم یکی از اینها روی ماشین جناب شهردار سقوط کند و البته بدون حادثه و ایشان فی الفور دستور رسیدگی را دهند. این بار تصمیم گرفتم موضوع را مکتوب کنم و به انتظار اقدام عاجل شهردار محترم باشم و تا یک هفته به خودم وقت دهم و منتظر اقدام باشم و پس از یک هفته، این موضوع را به شماره «۷» دیگر اقدامات اضافه کنم.

قابل توجه توزیع

توزیع روزنامه در شهرستان فارسان (چهارمحال و بختیاری) اصلاً مناسب نیست شاید هفته ای یک بار روزنامه به این منطقه می آید و ما ناچاریم برای به دست آوردن هر روز آن به شهرکرد برویم که فاصله اش تا فارسان ۳۵ کیلومتر است. لطفاً ترتیبی اتخاذ فرمایید تا روزنامه هر روز به دستمان برسد.

توضیحات مبهم صفحه بورس

گزارشات مربوط به بورس را که در صفحات اقتصادی روزنامه چاپ می شود اصلاً متوجه نمی شوم. با اینکه دکترای اقتصاد دارم ولی معنی کلماتی مثل شاخص کل، تالار اصلی، نماد تالار و... را متوجه نمی شوم لطف کنید معنای این کلمات را مشخص کنید و همچنین بیان کنید که چرا صفحات اقتصادی روزنامه شما و سایر روزنامه های ایران هیچ گونه اطلاعات دقیقی از سلامت بورس، نحوه حرکت آن در آینده و در حال حاضر ارائه نمی دهد.

گرانی مایحتاج مردم

شهروندی از تهران: مسئولان می گویند در جامعه گرانی وجود ندارد. آیا ایشان از روی حقوق خودشان می گویند گرانی وجود ندارد یا از روی حقوق مردم. دیروز پنیر گرفتم کیلویی ۳۸۰۰ تومان. برنج شده کیلویی ۱۶۸۰ تومان. طبق معمول که از میدان انقلاب نان جو می خریدم، امروز که رفتم بخرم دیدم از ۱۰۰ تومان شده ۱۵۰ تومان. بهتر است ایشان سری به وسط شهر زده و خرید کنند تا ببینند تمامی اجناس مایحتاج مردم گران شده است.

خبررسانی به موقع در مورد جنایتکاران

خبر اعدام ربایند ه ۳۴۵ دختر نوجوان را وقتی خواندم بسیار خوشحال شدم. بعد با خود فکر کردم چرا نیروی انتظامی و یا دادگاه ها چنین اشخاصی را زودتر به جامعه معرفی نمی کنند تا پدران و مادران مواظبت بیشتری از فرزندان خود داشته باشند. از کجا معلوم که از این شخص خبیث تر و جنایتکارتر در زندان نباشد و مردم هنوز باخبر نیستند. از کجا معلوم که اشخاصی پلیدتر از وی در جامعه آزاد بوده و هنوز گرفتار قانون نشده اند. چرا مسئولان در مورد اینگونه اتفاقات خبررسانی به موقع نمی کنند تا جلوی اینگونه اتفاقات زودتر گرفته شود. تا کی باید شاهد پنهان کاری مسئولان در معرفی اینگونه اشخاص باشیم؟